



درس سوم: «ارمغان ایران»

(اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه)

- ۱- آشنایی بیشتر با اخلاق و رفتارهای ایرانی اسلامی
- ۲- آشنایی با واژگان و ترکیب های جدید زبان فارسی
- ۳- آشنایی با میرجلال الدین کزازی و سبک نثر او
- ۴- تقویت خوانش رسای متن با لحن مناسب
- ۵- تقویت کاربرست آموزه های محتوا در فعالیت های نوشتاری و گفتاری
- ۶- تقویت کاربرست واژگان جدید متن در حوزه ی مهارت های املائی و نگارشی
- ۷- آشنایی با واج آرایی (نغمه حروف)
- ۸- درک و استخراج پیام درس

«فرزند ایران»

متن درس "ارمغان ایران" برگرفته از کتاب "فرزند ایران" نوشته "دکتر میرجلال الدین کزازی" است .

فرزند ایران، داستانی بر پایه سرگذشت فردوسی است. زبان این کتاب، کمابیش به یکبارگی پارسی بوده و از واژه های بیگانه یا وام واژه ها، بسیار اندک در آن بهره برده شده است. نثر این کتاب در اصطلاح، "فارسی سره" نامیده می شود .

قصه فرزند ایران از سه منبع گرفته شده است :

شالوده اصلی این داستان از شاهنامه گرفته شده است. فردوسی در مقدمه شاهنامه و گاهی در ابتدا و انتهای داستان هایش سخنی از رخداد های زندگی خودش، کسانی که به او در دستیابی به قصه ها کمک کرده اند و از همسر و فرزندش سخن گفته و این منبع خوبی برای کزازی بوده است.

منبع دیگر، آثار شاعرات و نویسندگان پس از فردوسی بوده است که درباره او مطالبی نوشته اند. دکتر کزازی از این داستان ها و به خصوص چهار مقاله عروضی نظامی استفاده کرده است .

بخش دیگر هم پندار و تخیل داستان نویس، برای به هم مربوط کردن بخش های مختلف زندگی فردوسی بوده است .

بیت ؟ سر به هم آوردم دیدم برگ های غنچه را اجتماع دوستان یکدلم آمد به یاد

معنی بیت: گلبرگ های غنچه را در کنار هم و نزدیک هم دیدم و به یاد دوستان موافق و همراه افتادم .

نکات ادبی: تشبیه مرکب، مصراع اول ؟ تشخیص

فرزندم! هوشمندِ دل‌بندم! ایران، سرزمین ما، سرزمینی است بس کهن که دیری در درازنای تاریخ خویش، بزرگ‌ترین و آبادترین کشور جهان بوده است؛ لیک آنچه ایران ما را از دیگر کشورهای نیرومند جهان، جدا می‌دارد و برمی‌کشد، آن است که کشور ما همواره سرزمین سپندِ فرّ و فروغ و فرزاندگی و فرهیختگی بوده است.

نکته ی ادبی: سرزمین و سرزمینی = جناس ناقص افزایشی. سرزمین سپند فر و فروغ

و فرزاندگی و فرهیختگی بوده است = واج آرای حرف (ف)

گرامیم! می‌دانی که برترین و استوارترین ستایش آن است که بر زبان و خامهٔ دشمن، روان می‌شود؛ زیرا ستایشی است پیراسته از هر آلایش. دشمنی که جز زشتی و پلشتی و کاستی و ناراستی و ددی و بدی نمی‌تواند و نمی‌خواهد دید؛ هنگامی که ایران و ایرانی را می‌ستاید، ناچار گردیده است که در برابر بزرگی و والایی این دو، سر فرود آورد و زبان به ستایش بگشاید.

نکته ی ادبی: ددی و بدی = جناس ناقص اختلافی. سرفرود آوردن = کنایه از احترام

گذاشتن. زشتی، پلشتی، کاستی، ناراستی، ددی، بدی = مراعات نظیر. ایران و ایرانی = جناس ناقص افزایشی.

آری، میهن شکوهمند ما، این خاستگاهِ بخردان و دانایان و روشن‌رایان، این کانون روشنی و راستی، این کشور مردانِ گرد، یلانِ پُر دل، دلیران و شیران، پهلوانانی نامدار، سرزمینی است که ما بدان می‌نازیم و سر از همگان برمی‌افرازیم.

نکته ی ادبی: شیران = استعاره از پهلوانان. سراز همگان برمی‌افرازیم = کنایه از

احساس سربلندی کردن. می‌نازیم = افتخار میکنیم.

فرزندم! من می دانم و بی گمانم که تو ایران را از بُن جان، دوست می داری؛ زیرا تو از تبار ایرانیانِ نژاده و آزاده هستی؛ از آن پاکان که جانشان از مهر ایران، تابناک است و دلشان به نام و یاد ایران می تپد؛ از آن دانادلان خویشتن شناس که اکنون ایران را به گذشتهٔ پرفروغ آن می پیوندند. تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نستوه، استوار چون کوه، می کوشند که آن گروه از ایرانیان را که از خویش بیگانه شده اند، به خویشتن بازآورند و به خود بشناسانند.

نکته ی ادبی: دلشان به نام و یاد ایران می تپد = کنایه از دوستن داشتن بیش از حد. آزاد

اندیشانی چون کوه = تشبیه

ای فرزندم! مرا کمترین گمانی در آن نیست که تو ایران را دوست می داری؛ لیک دوست داشتن، بسنده نیست؛ ایران را می باید شناخت تا بتوان آن را بدان سان که شایسته است و سزاوار، به دیگران شناساند. این، باری است که بر دوش تو نهاده شده است؛ باری به گرانی دماوند که هر پشت را خُرد می کند و در هم می شکند، مگر پشت ستبر و سَوار و نیرومند فرزند ایران که تویی!

نکته ی ادبی: این (ضمیر اشاره است و مرجع آن، شناساندن ایران می باشد) تشبیه شده

به بار. بار بر دوش تو نهاده شده است = کنایه از کاری را بر عهده ی کسی قرار دادن.

هر آینه، می دانم که هر کس ایران را به درستی بشناسد، دل بدان خواهد باخت و جوشان و پرتوان، خواهد کوشید که در آبادی و آزادی، شکوفایی و توانایی، پیروزی و بهروزی آن از هیچ تلاش و تکاپوی، بازماند و دریغ نرزد.

نکته ادبی: دل بدان خواهد بافت = کنایه از عاشق شدن. آبادی و آزادی = جناس ناقص

اختلافی

بدان و آگاه باش که آنچه من با تو می گویم؛ از سرِ آگاهی است و برآمده از باوری استوار، بدانچه تو می دانی و می باید بکنی. تویی که بر فرّ و فروغ ایران خواهی افزود و چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند و تیرگیِ ناخوشتن شناسی و از خودبیگانگی را خواهی زدود .

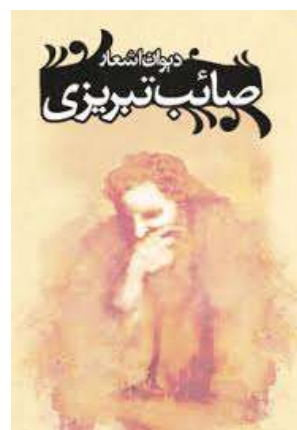
هان و هان! خوشتن را خوار مدار! زیرا در این روزگار، چشم و چراغ ایرانی؛ و در جهان، گرامی ترین؛ پس دل از هرگونه آرایش و گمان دربارهٔ خویش پاک ساز و برهان و بدین سخن، باور آور که فرزند ایران و بیشهٔ فرهنگ و ادب و اندیشه را شیر شیران هستی.

نکته ی ادبی: جهانیان مجاز از مردم جهان. خواهی زدود=کنایه از پاک خواهی کرد.

بخوان و بجوی و بپوی و ایران و خود را بشناس و پروردگار پاک را سپاس بگزار؛ به پاس آنکه تو را فرزند ایران برگزید.

نکته ی ادبی: بجوی و بپوی =جناس ناقص اختلافی

اعلام



صائب تبریزی

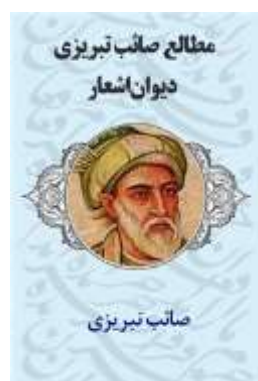
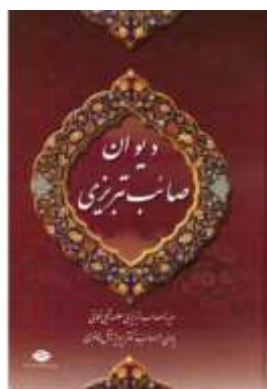
صائب تبریزی،
میرزا محمد علی: (۱۰۸۶-
۱۰۱۶ هـ ق) وی در
اصفهان دیده به جهان
گشود. پدر صائب از
بازرگانان شهر تبریز بود
که برای تجارت به اصفهان
مهاجرت کرده بود.

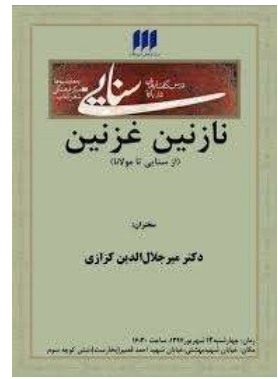
پس از هفت سال به
میهن بازگشت و به
حضور شاه عباس دوم
صفوی در اصفهان
رسید و عنوان ملک
الشعرایی یافت.

صائب در اصفهان به
تحصیل علم و کمالات به
ویژه خط و شعر و ادب
فضیلت پرداخت. در روزگار
جوانی به مشهد و مکه سفر
کرد. سپس به هند رفت و با
شاعران بزرگ آن دیار
آشنا شد.



صائب پرکارترین
شاعران روزگار
خویش است. اشعار
او عموماً غزل،
مثنوی و قصیده
است.

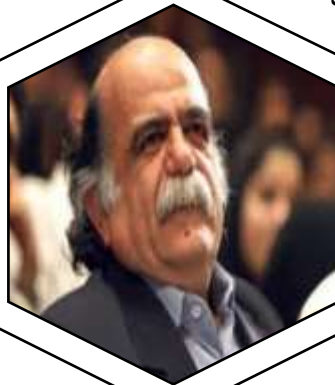




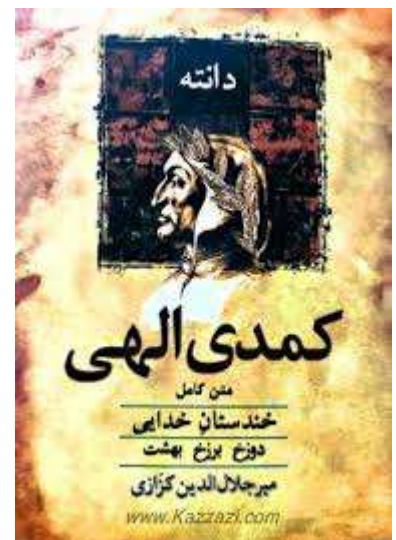
میرجلال الدین کزازی

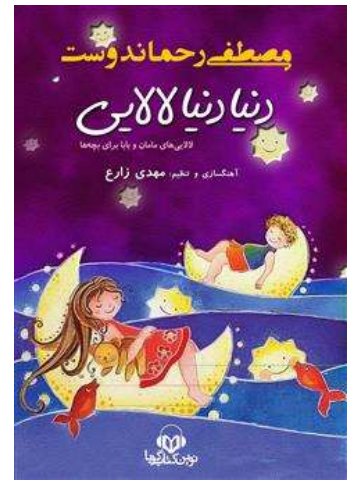
میرجلال الدین کزازی
(زاده ۲۸ دی ۱۳۲۷ در
کرمانشاه) استاد دانشگاه،
شاعر، نویسنده، مترجم،
شاهنامه پژوه و پژوهشگر
برجسته ایرانی در زبان و
ادب فارسی است.

او از چهره های ماندگار
فرهنگ و ادب ایران در
پنجمین همایش چهره
های ماندگار به سال
۱۳۸۴ است.



کزازی، عضو
هیئت امنای
بنیاد فردوسی
است.





مصطفی رحماندوست

رحماندوست پس از سال ۱۳۵۷ با عنوان مدیر مرکز نشریات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول به کار شد و تا به امروز در سمت مدیر برنامه کودک سیما، سردبیر نشریه پویه، مدیر مسئول نشریات رشد، مدیر کل دفتر مجامع و فعالیت های فرهنگی، سردبیر رشد دانش آموز، سردبیر سروش کودکان و داور جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان (اصفهان) به کودکان و نوجوانان خدمت کرده است.

از او تاکنون بیش از ۱۱۶ اثر به صورت مجموعه داستان و مجموعه شعر برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است.



«۲ پر ۲ پر ۴ پر»، «آسمان هم خندید»، «ترانه های نوازش»، «بازی شیرین است»، «درسی برای گنجشک»، «توپ در تاریکی»، «بچه ها را دوست دارم»، «مرغ قشنگ تیلی»، «پرنده گفت:

به! به!»، «صدای ساز می آید»، «صلح»، «پنج تا انگشت بودند که»، «مرغ افتاد و مرد، خروس غصه خورد»، «زیباتر از بهارم»، «غول کوچولو آمده! بترس لولو آمده»، «رنگ و وارنگ ار همه رنگ»، «سفره شام»، «پرستار صبح شت»، «تسیم نانا»، «خوش به حال ماهی ها»، «قصه گویی، اهمیت و راه و رسم آن» تعدادی از این آثار است.

او هم اکنون به تدریس داستان نویسی و ادبیات کودکان و نوجوانان مشغول است و به عنوان مسئول بخش کتاب های خارجی کودکان و نوجوانان در کتابخانه ملی فعالیت می کنند.





معنی واژگان

کهن: قدیمی	پیراسته: پاکیزه، آراسته
درازنا: طول: درازا	آلایش: آلودگی
سپند: مقدس، ارجمند	پلشتی: آلودگی، ناپاکی
فر: شکوه	دَدی: وحشی گری
فروغ: روشنایی	والایی: ارجمندی
فرزانگی: دانایی	خاستگاه: محل پیدایش
فرهیخته: ادب آموخته	بِخردان: دانایان
تیره رای: بداندیش	روشن رای: نیک اندیش
خیره روی: گستاخ	گُرد: پهلوان
ارمغان: سوغات، هدیه	پُردل: شجاع
خرد: عقل	همگنان: همگان، همه
پاس: احترام، حق شناسی	بُن جان: صمیم دل، ته قلب
خامه: قلم	تبار: اصل، نژاد
نژاده: اصیل، نجیب	نستوه: خستگی ناپذیر

بسنده: کافی	سزاوار: لایق، شایسته
خُرد: کوچک، ریز	دریغ: کوتاهی
سِتبر: محکم	خیرگی: حیرت
سُتوار: پایدار، ثابت	خوار: پست، ذلیل
تکاپوی: تلاش، کوشش	بیشه: نی زار، جنگل کوچک
دلبند: دوست داشتنی، محبوب	داد: عدل
کهن: قدیمی	تیره رای: بداندیش
دیری: دیرباز، زمانی دراز	خیره روی: سرکش، گستاخ
درازنای: طول، درازا	سپبند: مخفف اسپند، ارجمند، پاک، مقدس
لیک: لیکن، امّا	ارجمند: گرمی
برکشیدن: بالا بردن، برتر ساختن	به پاس: به خاطر
فرّ: شکوه	می ستایند: ستایش می کنند
فروغ: روشنایی، نور	ارمغان: سوغات، پیشکش؛ تحفه، رهاورد
فرزانگی: دانایی، علم	خامه: قلم، کلک
فرهیخته: ادب آموخته، علم آموخته	روان می شود: جاری می شود
فرهیختگی: علم آموختگی، بافرهنگ بودن	پیراسته: آراسته، پاکیزه
مردی: مردانگی	آلایش: آلودگی (از مصدر آلودن)
بن جان: صمیم دل، ته دل	کاستی: کمبود
تبار: اصل، نژاد، خاندان	ددی: وحشی گری

نژاده: اصیل، نجیب، دارای اصل و نسب خوب	والایی: ارجمندی
نستوه: نه+ ستوه (خسته، درمانده- خستگی ناپذیر	سر فرود آوردن: تعظیم کردن، فروتنی
بسنده: کافی، بس	خاستگاه: مبدأ، محل پیدایش
گرانی: سنگینی	بِخرَد: دانا، عاقل
خُرَد: کوچک	روشن رأی: روشن فکر، نیک اندیش
ستبر: نیرومند، ضخیم، قوی	کانون: مرکز، سرچشمه
ستوار: مخفف استوار، ثابت، پایدار	گُرد: پهلوان، نیرومند
هراینه: به یقین، بی گمان	یل: شجاع، دلاور
جوشان: پرتکاپو	پردل: شجاع
بهروزی: خوشبختی	نامدار: مشهور
تکاپو: کوشش، رفت و آمد همراه با شتاب	همگنان: همگان، همه، همتایان
خیرگی: حیرت، سرگشتگی	دریغ ورزیدن: کوتاهی کردن، مضایقه کردن، خودداری کردن از کاری
خوار: حقیر، پست	بِرهاَن: رها کن
زدودن: پاک کردن	هان: آگاه باش
بیپوی: حرکت کن، فعل امر از مصدر پویدن (حرکت کردن برای جست و جوی چیزی یا دستیابی به آن)	بی گزند: بی+ گزند (آسیب)- بدون آسیب
ساختمان گزند: گز (بن مضارع از مصدر گزیدن)، - ند	

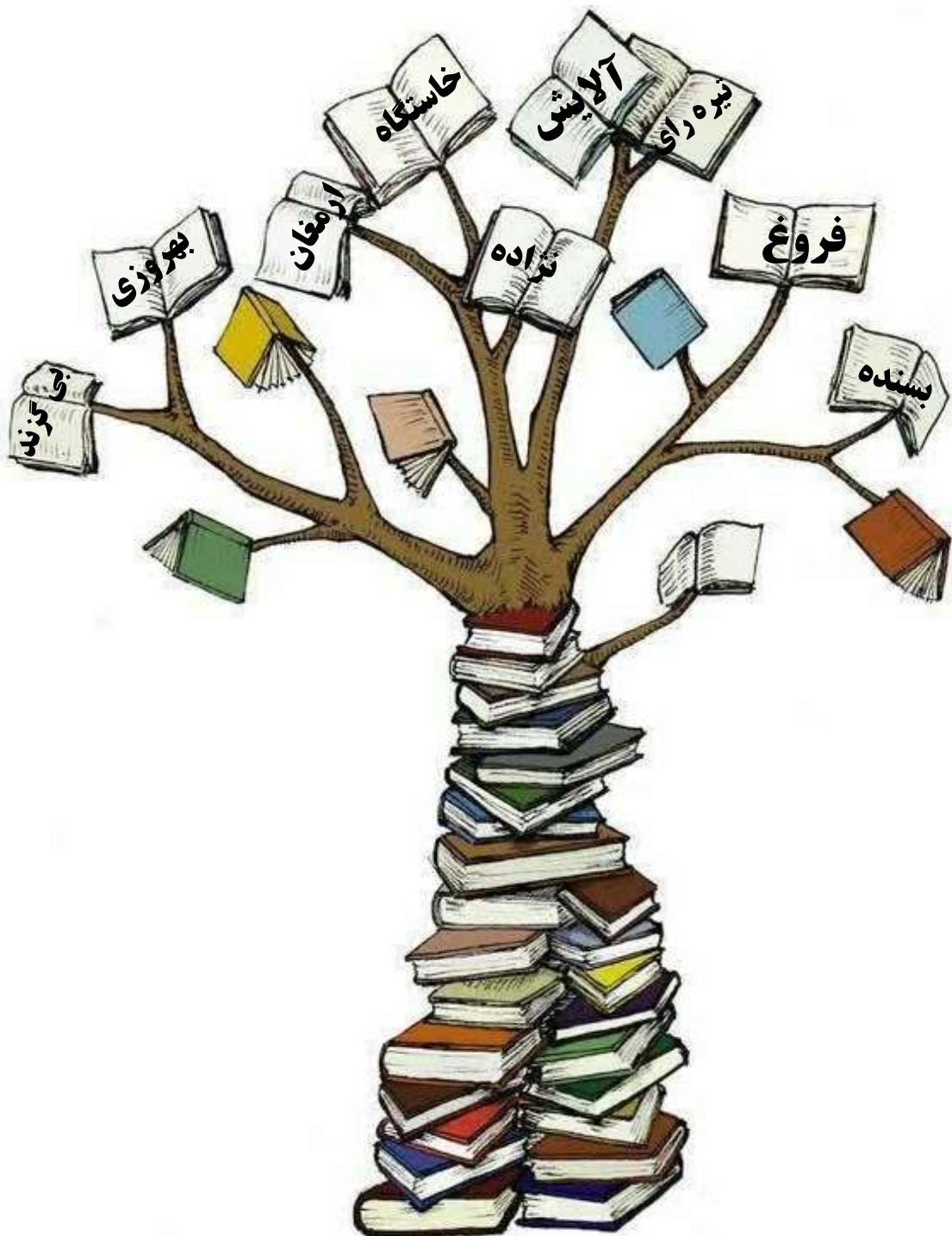
هم خانواده ها

هم خانواده ها و خوشه واژه های مرتبط با هم را پیدا کنید و بنویسید .



نکات املائی

با کلمات مهم املائی جمله بسازید





خود ارزیابی

۱- برترین و گرامی ترین ارمغان «ایران» به دیگر سرزمین ها

چیست؟ اندیشه، خرد و فرهنگ

۲- دو تن از دلیران و پهلوانان نامدار ایرانی را نام ببرید که برای

سربلندی ایران کوشیده اند.

میرزا کوچک خان جنگلی، امیرکبیر

۳- به نظر شما چگونه می توان از فرهنگ و ادب فارسی پاسداری

کرد؟

با فراگیری و ترویج زبان فارسی؛ حذف واژه های بیگانه از گفتار و

نوشته هایمان





نکتہ ی ادبی

زبان فارسی ۲۹ واج دارد که بدین قرار است:

/ب/	/او/	/ای/	/آ/	/ُ/	/ِ/	/َ/							
/پ/	/ت/	/ج/	/چ/	/خ/	/د/	/ر/	/ز/	/ژ/	/س/	/ش/	/ف/	/ق/	/ک/
/گ/	/ل/	/م/	/ن/	/و/	/ه/	/ی/	/ء/						

یکی از عناصر زیباسازی سخن، کاربرد «تکرار» در کلام است. آهنگ حاصل از این تکرار، گوش را می‌نوازد و بر موسیقی متن و تأثیر آن می‌افزاید.

کشور ما، همواره سرزمین سپند فرّ و فروغ و فرزانی و فرهیختگی بوده است. (تکرار صامت «ف»)

بهره گیری از تکرار حروف، کلام را دلنشین تر می سازد و سبب روشنی و رسایی سخن می شود .

موسیقی برخاسته از صامت ها، محسوس تر است.

گفت و گو کنید

۱- شعری از فردوسی، درباره عظمت و بزرگی ایران بیابید و در کلاس بخوانید.

ج. برای نمونه بیت زیر را می توان مثال زد:

هنر نزد ایرانیان است و بس ندادند شیر ژیان را به کس

۲- درباره تکرار حرف و نقش آن در بیت زیر، گفت و گو کنید.

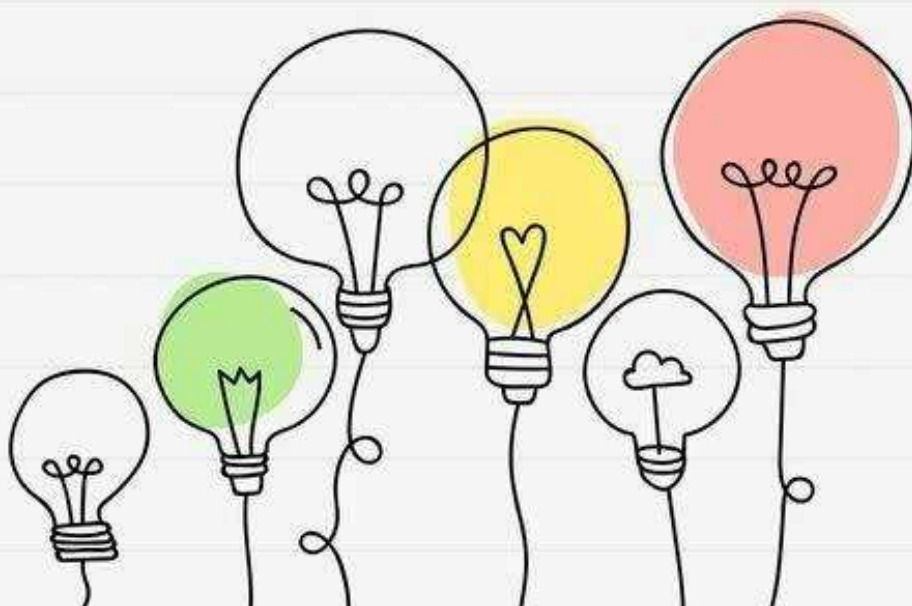
خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم، وزان است

ج. تکرار حرف «خ»

این تکرار یادآور صدای ریزش و خرد شدن برگ ها و همچنین یادآور صدای

خش خش برگ ها در فصل پاییز است. این تکرار، موسیقی درونی شعر را می

سازد و ما را با شاعر هم نوا می کند و به دریافت معنی شعر کمک می نماید.





نوشتن



نوشتن

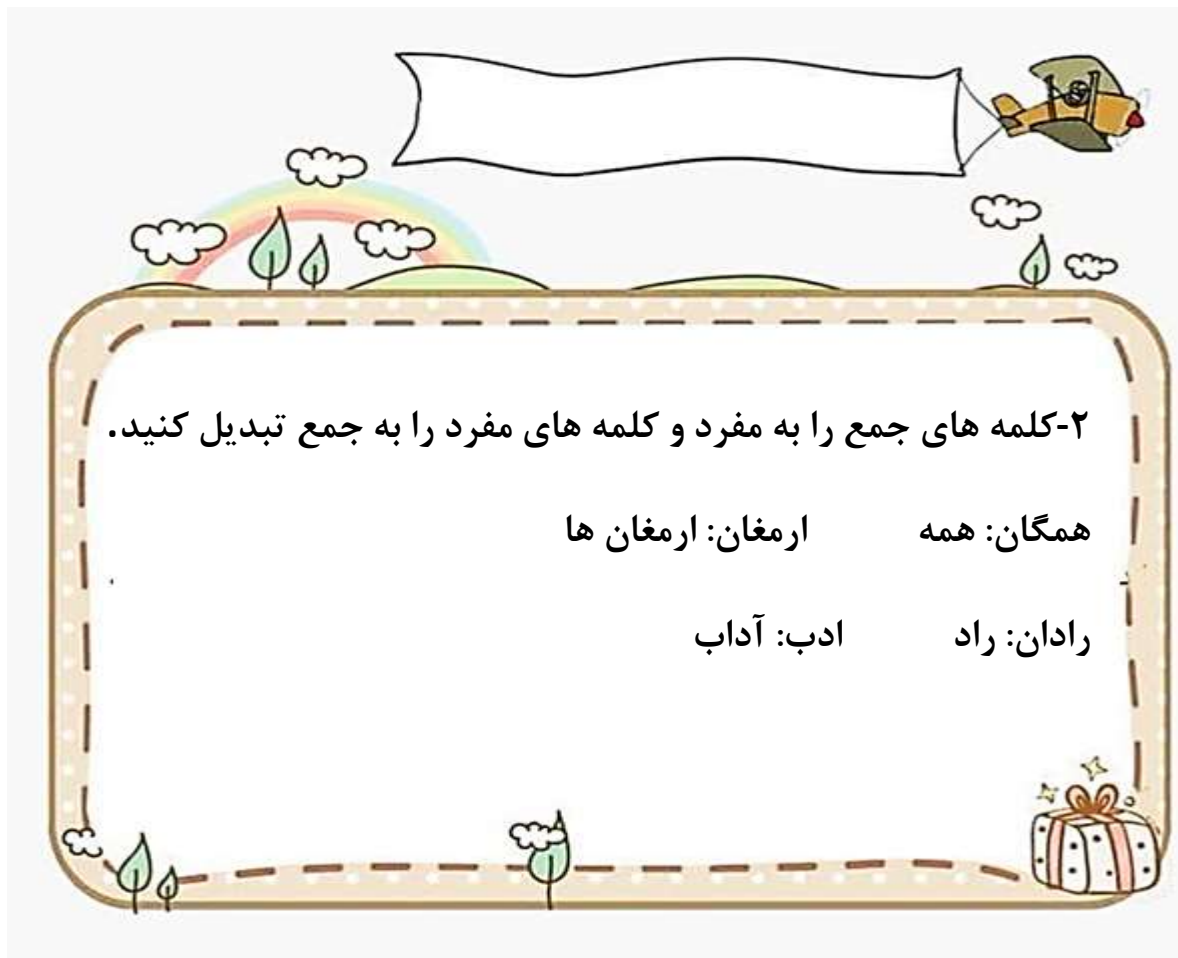
۱- غلط‌های املایی را در عبارت‌های زیر بیابید و اصلاح کنید.

الف) ایران، این خواستگاه بخردان، حتی دشمنان به کین و دل چرکین را در برابر شکوه خود به زانو درمی آورد. (خاستگاه)

ب) فرزندم، تویی که فرّ و فروغ ایران را بدان بازخواهی گرداند و چشم جهانیان را به خیره گي خواهی کشاند. (فروغ- خیرگی)

پ) دل از هرگونه آلايش و گمان درباره‌ خویش بپیرای و یزدان پاک را سپاس بگذار. (بگزار)







۴- مفهوم کلی عبارت زیر را بنویسید .

«تویی که در این روزگار، چشم و چراغ ایرانی و بهارآفرین باغ ایران .»

امروز، تو امید ایران هستی؛ آینده و آبادانی ایران به دست تو است .

هرگاه پسوند «ان ای» به پایان واژه هایی نظیر «زنده، راننده، دونده،

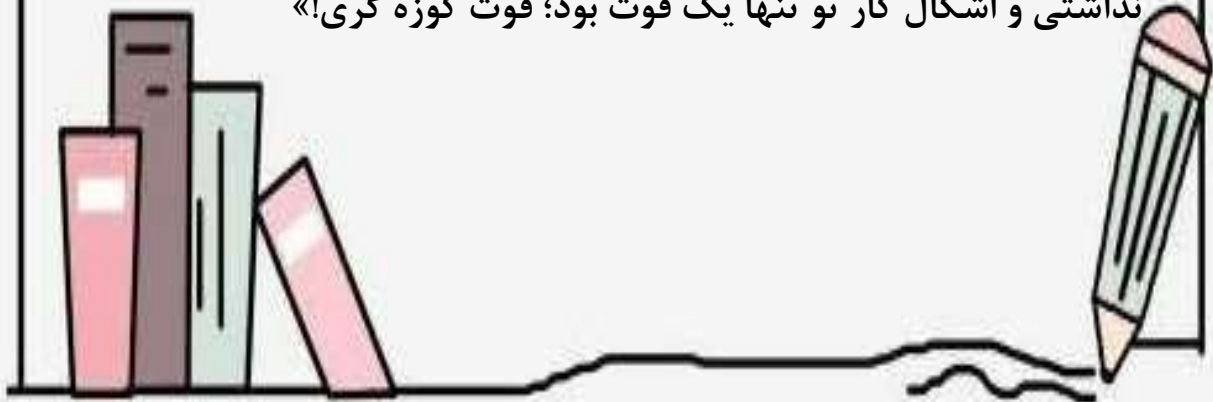
پرنده» افزوده شود، این گونه نوشته می شوند: «زندگی، رانندگی،

دوندگان، پرندگان»

حکایت فوت کوزه گری

کوزه گری ماهر و ورزیده شاگردی داشت که چندین سال نزد او کار کرده و فنون کوزه گری را از او فرا گرفته بود. روزی شاگرد دستمزد بیشتری از استاد درخواست کرد. موزه گر بر دستمزد او افزود. پس از مدتی، باز شاگرد سرِ ناسازگاری گذاشت و گفت: «دیگر فنّ کوزه گری را به تمامی آموخته ام و قصد دارم در کارگاه خود استادکار شوم»، کوزه گر از او خواست به پاسِ حقّی که بر گردن او دارد، چند ماهی بماند و یاری اش کند. شاگرد، بی اعتنا به درخواست استاد، او را رها کرد و کوشید در کارگاه خود برای رقابت با استاد مرغوب ترین کوزه ها را بسازد. او با دقّت شروع به ساختن کوزه کرد اما لعاب هیچ یک از کوزه ها زیبا و شفاف از کار درنیامد .

شاگرد، ناگزیر نزد استاد بازگشت. استاد او را واداشت مدّتی دیگر نزد او بماند تا اشکال کار را دریابد. سرانجام یک روز استاد گفت: «رمز مرغوب بودن کوزه ها در این است که هر کوزه را پیش از آنکه در کوره بگذارم، فوت می کنم تا گرد و خاک از روی آن پاک شود. تو همین یک نکته را در نظر نداشتی و اشکال کار تو تنها یک فوت بود؛ فوت کوزه گری!»





دستمزد:	حقوق
فن:	حرفه، شغل
به پاس:	به احترام
بی اعتنا:	بی توجه
لعاب:	رنگی که از سنگ های معدن به دست می آید
واداشت:	مجبور کرد
اشکال:	جمع مشکل
فنون:	جمع فن
ناسازگاری:	مخالفت



سوالات تستی:

۱- در کدام گزینه آرایه ی واج آرایی به نظر نمی آید؟

الف) کشور ما همواره سرزمین سبز فرّ و فروغ و فرزاندگی و فرهیختگی بوده است.

ب) بدان و آگاه باش که آنچه من با تو می گویم از سر آگاهی است و برآمده از **ب**اور بی استوار.

ج) این کشور مردان گرد، یلان پردل، دلیران و شیران، پهلوانان نامدار است و ما بدان می نازیم.

د) ستایشی است پیراسته از هر آلائش؛ دشمنی که جز زشتی و پلشتی و کاستی و ناراستی نمی توان دید.

۲- در عبارت زیر چند واژه وجود دارد که با علامت جمع، جمع بسته شده اند؟

"تو از تبار ایرانیان نژاده هستی؛ از آن پاکان که جانشان از مهر ایران تابناک است و دلشان به

نام دیار ایران می تپد؛ از آن دانادلان خویشتن شاهی که اکنون ایران را به گذشته پرفروغ آن

می پیوندند. تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نستوه استوار چون موه می کوشند.

الف) دو ب) چهار ج) پنج د) شش

۳- در کدام گزینه نقش کلمات مشخص شده کاملاً درست نوشته شده است؟

الف) خویشتن را خوار مدار زیرا در این روزگار چشم و چراغ ایرانی. (مفعول - مسند)

ب) خدای بزرگ، پشت و پناه تو و میهن؛ تن و جان بی گزند و میهن آبدان باد. (مسند - صفت)

ج) ای فرزندم! مرا کم ترین گمانی نیست که تو ایران را دوست می داری. (مفعول - مفعول)
د) هر آینه، می دانم که هر کس ایران را به درستی بشناسد دل بدان خواهد باخت. (مفعول - مفعول)
(مفعول)

۴- کدامیک از شعرای زیر عنوان "ملک شعرایی" داشته است؟

۱- سنایی ۲- صائب تبریزی ۳- اقبال لاهوری ۴- عبدالرحمن جامی

"سؤالات تشریحی"

۵- معنای کلمات (خانه، نستوه، ددی، تبار) را به ترتیب بنویسید؟

۶- به نظر شما چگونه می توان از فرهنگ و ادب فارسی پاسداری کرد؟

۷- کدام شاعر و در حضور چه کسی عنوان ملک الشعرایی یافت؟

۸- متن درس ارمغان ایران برگرفته از کدام کتاب است؟

"سؤالات کوتاه جواب"

۹- هم خانواده ای برای واژه های کوشش و توانا بنویسید.

۱۰- هر کدام از کلمه های (باور، آزاده، جهان) را با نشانه ی جمع مناسب جمع ببندید.

۱۱- نام دیگر واج آرایی چیست؟

۱۲- بیت (خندید و خز آید که هنگام بهار است * باد خنک از جانب خوارزم، وزان

است) از کیست؟

"سؤالات جای خالی"

۱۳- برترین و گرامی ترین ارمغان ایران به دیگر سرزمین ها، و و بوده است.

۱۴- حکایت فوت کوزه گری نوشته ی است.

۱۵- شالوده ی اصلی داستان فرزند ایران از گرفته شده است.

۱۶- اشعار صائب عموماً و و است.

"سؤالات درست و نادرست"

۱۷- صائب تبریزی در مشهد دیده به جهان گشود.

۱۸- آسمان هم خندید از آثار مصطفی رحماندوست است.

۱۹- هرگاه پسوند "ان/ی" به پایان واژه ی دونده افزوده شود؛ به صورت دوندگان نوشته می شود.

سؤالات جور کردنی:

هر یک از آثار ستون الف را به شاعر مربوطه در ستون ب وصل کنید.

○ مصطفی رحماندوست

فرزند ایران ○

○ صائب تبریزی

دیوان اشعار ○

○ میرجلال الدین کزازی

درسی برای گنجشک ○

"پاسخ سؤالات"

(۱) گزینه ی ۲

(۲) گزینه ۲

(۳) گزینه ی ۴- نقش درست گزینه های نادرست: ایران: مضاف الیه، بی گزند: مسند و مرا: متمم
(را در معنی برای)

(۴) گزینه ی ۲

(۵) قلم- خستگی ناپذیر- وحشی گری- اصل و نژاد

(۶) با فراگیری و ترویج زبان فارسی، حذف واژه های بیگانه از گفتار و نوشته هایمان

(۷) صائب تبریزی در حضور شاه عباس دوم صفوی

(۸) فرزند ایران

(۹) کوشش، کوشا- کوشنده- کوشیدن توانا: توانستن- توانمند- ناتوان

۱۰- باورها- آزادگان- جهانیان

۱۱- نغمه ی حروف

(۱۲) منوچهری دامغانی

(۱۳) اندیشه و خرد و فرهنگ

(۱۴) مصطفی رحماندوست

۱۵- شاهنامه

۱۶- غزل و مثنوی و قصیده

(۱۷) نادرست

۱۸) درست

۱۹) درست

۲۰) فرزند ایران ← میرجلال الدین کزازی

دیوان اشعار ← صائب تبریزی

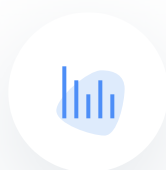
درسی برای گنجشک ← مصطفی رحماندوست





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد